

سفسیر فی

دونالد بار تلمی

ترجمہ

نیما ملک محمدی



انسار ات فراید

Bartheleme, Donald

بارتلمی، دونالد، ۱۹۳۱ - ۱۹۸۹ م

سفیدپرفی / دونالد بارتلمی؛ ترجمه‌ی نیما ملک‌محمدی. - تهران: مروارید ۱۳۸۴.

ISBN: 964-8838-03-8

Snow White.

عنوان اصلی:

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای آمریکایی - قرن ۲۰ م. الف. ملک‌محمدی، نیما، ۱۳۵۸ -
مترجم. ب. عنوان.

م ۱۶۴ ب ۵ / ۸۱۳
۱۳۸۴

۳۳ الف / ۳۳۵۵۲
۱۳۸۴

۸۶۲ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران



آشارات مروارید

تهران - خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۱۲ / ص.پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۴۱۲۰۴۶ - ۶۴۸۴۶۱۲ - ۶۴۸۶۱۰۷

morvarid_pub@yahoo.com

فروش اینترنتی www.iketab.com

سفیدپرفی

دونالد بارتلمی

ترجمه‌ی نیما ملک‌محمدی

ویرایش: امید نیک‌فرجام

صفحه‌آرایی علم روز

طراح جلد فرشید مثقالی

چاپ اول ۱۳۸۴

چاپ گلشن

تیراژ ۱۱۰۰

شابک ۸ - ۰۳ - ۸۸۳۸ - ۹۶۴ - ISBN 964-8838-03-8

۲۳۰۰ تومان

درباره نویسنده

دونالد بارتلمی موقعیت کنونی خود را به عنوان یکی از پیشگامان سرشناس داستان‌نویسی تجربی آمریکا از خلال صفحات مجله نیویورکر، که نخستین داستان‌های بارتلمی را در سال ۱۹۶۳ منتشر کرد، به دست آورده است. هر چند بارتلمی بیش از همه به خاطر پرداختن به زندگی مردم طبقه متوسط به بالا و جملات سردی که در عین حال بار عاطفی وحشتناکی دارند مشهور است (خصوصیاتی که بیشتر به سبک زندگی در ایالت‌های شمالی آمریکا برمی‌گردد)، اما او در واقع در تگزاس (یکی از ایالت‌های جنوبی آمریکا) بزرگ شده است. بارتلمی در ۷ آوریل ۱۹۳۱ در فیلادلفیا، جایی که پدر و مادرش در دانشگاه پنسیلوانیا درس می‌خواندند، متولد شد. خانواده او مدت کوتاهی پس از تولد او به هوستون (مرکز ایالت تگزاس) مهاجرت کردند. پدر بارتلمی در آن جا خیلی زود به عنوان معماری صاحب سبک در کنار بزرگانی چون لودویگ میز و اندر رو و کوربوزیه مشهور شد. زبان و موقعیت‌های تگزاسی هر از چندی خود را در داستان‌های بارتلمی نشان می‌دهند، و همین‌طور مذهب کاتولیک که بارتلمی در

جوانی به آن معتقد بود و نیز تجربیاتی که به عنوان خبرنگار، نویسنده نشریات دانشگاه، سردبیر و مدیر موزه (همگی در هوستون) داشته است. بارتلمی در سال ۱۹۶۲ تنها به این خاطر به نیویورک مهاجرت کرد که به عنوان سردبیر دو شماره از مجله هنری و ادبی هارولد روزنبرگ و توماس هس، با نام لوکیشن را منتشر کند. اما بارتلمی پس از آن نیز در نیویورک ماندگار شد تا به عنوان یک نویسنده تمام وقت کار کند و هر از چندی نیز در دانشگاه نیویورک به عنوان استاد نثر انگلیسی تدریس کند. طیف کاملی از نشریات دانشگاهی و فصل‌نامه‌های ادبی از بارتلمی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین و صاحب‌سبک‌ترین نویسندگان معاصر آمریکا تجلیل کرده‌اند. بارتلمی برندهٔ بورس گوگنهایم و جایزه ملی کتاب شده است و علاوه بر این‌ها نیز جوایز ادبی متعددی برده است. بارتلمی که چندین بار ازدواج کرده و طلاق گرفته است، با احساساتی ژرف و سبکی هزل‌آمیز دربارهٔ کیفیت زندگی شخصی آدم‌ها، رابطه‌ها و دارایی‌های مادی در آمریکای معاصر می‌نویسد.

بارتلمی به خاطر اتکایش به زبان (به جای طرح یا شخصیت) برای کشیدن بار داستان، مورد حملهٔ منتقدان سنتی چون آلفرد کازین و نیتن اسکات قرار گرفته است. کازین در سال ۱۹۷۳ در کتاب روشن زندگی^۱ می‌نویسد به همراه بارتلمی «تنها از گزاره‌ای به گزارهٔ دیگر می‌رویم» و کمی بعد می‌نویسد: «او تنها از طریق به هجو کشیدن و مخالفت کردن پیش می‌رود، و نظام روایی او که مهم‌ترین ویژگی‌اش

حمله کردن است، به او اجازه می‌دهد کاری را انجام دهد که نظام‌های اقتدارگرا با مخالفان‌شان می‌کنند و باعث می‌شوند آنها خود را تک‌افتاده احساس کنند» بسیاری از منتقدان سرسخت بارتلمی، انتقادات خود را بر زمینه‌های اخلاقی بنا می‌کنند. جویس کرول اوتس به جمله‌ای از زبان یکی از شخصیت‌های داستان بارتلمی که می‌گوید «قطعه‌نویسی تنها فرمی است که به آن باور داریم»، اتکا می‌کند و آن را بنیان حمله‌اش به اخلاقیات فرضی بارتلمی قرار می‌دهد: «هنگامی که نویسنده‌ای با هوش و قریحه قابل توجه، که آثارش بازتابی از اضطرابی است که حتماً خودش احساس می‌کند، در کتاب‌های پیاپی به چنین شیوه‌ای متوسل می‌شود، انسان چاره‌ای ندارد جز این که بیاندیشد مغز او هم قطعه قطعه است.» اوتس می‌پرسد، حال وقتی زندگی به فکر تقلید از هنر می‌افتد، چه پیش می‌آید؟ پرل کی. بل بارتلمی را در زمره کسانی قرار می‌دهد که «هرج و مرج، بی‌منطقی و تباهی اجتناب‌ناپذیر را ستایش می‌کنند... گروهی ارمیای^۱ کوچک که در دنیای غرب فرمان چپاول صادر می‌کنند.» نیتن اسکات می‌گوید دنیایی که بارتلمی می‌سازد «رهایی چشمگیری از تهدیدات ناشی از ناملایمات تاریخی برای مان به ارمغان می‌آورد»، اما به گمان اسکات چنین فلسفه‌ای بیش از حد سطحی است و تنها مورد استقبال «لشکر جوانان موبلند و جین‌پوش سیگاری بر لبی قرار می‌گیرد که قدم به دنیای مواد مخدر و داروهای روان‌گردان گذاشته‌اند.» از سال ۱۹۷۰ به

۱. از پیامبران بنی‌اسرائیل که حمله بابل به اورشلیم را پیش‌بینی کرده بود و آن را اجتناب‌ناپذیر می‌دانست.

بعد، ضمیمه نقد کتاب روزنامه نیویورک تایمز به تدریج یادداشت‌های بلندتر و عمیق‌تری درباره داستان‌های بارتلمی منتشر می‌کرد و به کاوش در ذات بازی‌های زبانی و بازآفرینی خلاقانه زندگی اجتماعی در داستان‌های او می‌پرداخت و به این ترتیب منتقدان مخالف بارتلمی را از مهم‌ترین تریبون‌شان محروم کرد. اما منتقدان جوان‌تری چون لری مک‌کافری در ویژه‌نامه بارتلمی مجله کریتیک در سال ۱۹۷۵، نشان می‌دهند که بی‌اعتمادی بارتلمی به زبان برای انتقال هرگونه معنای واقعی و به داستان معاصر برای بازنمایی هرگونه واقعیت واقعی، او را به نویسنده‌ای ایده‌آل برای ابداع فرمی از نوشتار تبدیل می‌کند که ذات مفتضح جهان روزمره را مقابل چشمانمان قرار دهد.

سبکی که بارتلمی ابداع می‌کند، تا حد زیادی بستگی به آگاهی ما از این نکته دارد که چگونه تبلیغات و سیاست، باعث فساد زبان شده‌اند. بارتلمی در داستان کوتاه گزارش، گروهی دانشمند و محقق نظامی را نشان می‌دهد که «سلاح‌هایی که می‌تواند الفبای دشمن را نابود کند» و «تلگرام‌هایی که بیضه‌ها را منفجر می‌کند» اختراع کرده‌اند. تکنولوژی‌های نرم‌افزاری آن‌ها هم که به کمک کامپیوترهای آن‌لاین کنترل می‌شود، آرزوهای مردم را تبخیر می‌کند. «تبخیر آرزوها با توجه به انتظارات رو به افزایش مردم جهان، که همان‌طور که می‌دانید تعدادشان به سرعت رو به افزایش است، نقش حیاتی دارد.» گروه پلیس‌هایی که برای آرام کردن شورش‌ها برای شان موسیقی جاز می‌زنند، بالن‌های بی‌شکلی که نیمی از آسمان نیویورک را می‌پوشانند و تنوعی دل‌پذیر اما بی‌معنی در زندگی مردم به وجود می‌آورند، از جمله دیگر مهملات واقع‌نمایی هستند که بارتلمی ابداع می‌کند. جعبه‌های

غلات بوداده‌ای هم که قهرمان رمان سفیدبرفی (۱۹۶۷) سر میز صبحانه می‌آورد، اسم‌هایی با آوای آشنا اما در واقع ایزورد دارند. داستان‌های دیگری چون «نجات رابرت کندی از غرق شدن» و «منظره‌هایی از گریه پدرم» نمایش معرفت‌شناختی این نکته هستند که چگونه می‌توان (و نمی‌توان) جهان را شناخت؛ نکته این است که تخیل همیشه حقیقی‌تر از احساسات در ظاهر عینی است، و خیال‌بافی همیشه دقیق‌تر از امر واقع است.

بارتلمی در رمان سفیدبرفی، به کمک بازگویی افسانه برادران گریم و والت دیزنی به زبان عصر خویش، چشم‌اندازی روشن‌بینانه از آمریکای اواسط دهه ۶۰ تصویر می‌کند. رئیس جمهور آمریکا در این رمان مشغول «جنگ علیه شعر» است و سفیدبرفی در میان لیست بلندبالای اسامی شاهزادگان که طنینی چون آگهی‌های تبلیغاتی دارند، به دنبال مردی می‌گردد که او را «کامل کند».

بارتلمی در دومین رمان خود، پدر مرده (۱۹۷۵)، در برابر تمایل به قطعه‌نویسی مقاومت می‌کند و یک خط داستانی مستقیم را ۱۷۷ صفحه پیگیری می‌کند. «پدر مرده» (که هر چند مرده اما هنوز می‌تواند اظهار نظر کند و دنبال دختران خوشگل بیافتد) توسط لشکری از پسرانش تشییع می‌شود. موقعیت داستانی رمان نوعی اقتباس از آثار بکت است، اما تنها به عنوان محملی برای بازی‌های روان‌شناختی میان پدر و پسر عمل می‌کند.

نوآوری‌های زبانی بارتلمی در مجموعه داستان زندگی شهری (۱۹۷۰) به اوج خود می‌رسد. داستان‌هایی چون *حباب‌های استخوان* و *حکم*، کولاژهایی به کلی بی‌معنی از کلمات هستند که صفحات

متممادی را پر می‌کنند. آماطورها، دیگر مجموعه داستان بارتلمی که در سال ۱۹۷۶ منتشر شد، هم کم‌دی‌های موقعیت مثل مدرسه و هم تجربیات پیچیده‌تری با رفتارها و واکنش‌های انسانی چون تو به اندازه انسان وزن کوک شجاع هستی را در خود جای داده است.

محبوبیت گسترده بارتلمی و دستیابی به مخاطبانی وسیع‌تر از دیگر نویسندگان تجربی چون رونالد سوکنیک و گیلبرت سورنتینو، مدیون توانایی او در ترکیب هنرنمایی‌های تکنیکی با موقعیت‌ها و شخصیت‌های آشنا است. بارتلمی بیش از آن که به دنبال قضاوت اخلاقی درباره تجربیات انسانی باشد، مجذوب این تجربه‌ها است و با کولاژ قطعات و فرم‌های غریب، به دنبال خلق معانی جدیدی است.*